



توبه بازگشت خدا به سوی بنده با نظر لطف / طریقه توبه از برخی گناهان کبیره خاص

آنچه از آیات قرآن و روایات در باب توبه استفاده می شود این است که اگر انسان از گناهانش پشیمان شود و توبه کند...

خبرگزاری مهر- آنچه از آیات قرآن و روایات در باب توبه استفاده می شود این است که اگر انسان از گناهانش پشیمان شود و توبه کند، خداوند توبه او را می پذیرد و تمام گناهانش را می بخشد، پس انسان گناهکار در هیچ شرایطی نباید از رحمت خداوند مأیوس باشد زیرا هر چه گناه او بزرگ تر باشد باز رحمت الهی واسع تر است. توبه در لغت به معنای دست کشیدن از گناه و بازگشتن به راه حق است و به تعبیر دیگر، بازگشت به پشیمانی از گناه است. در قرآن کریم هم 171#& توبه عبد&راquo; مطرح است و هم 171#& توبه خدا&راquo;. توبه عبد به معنی برگشتن عبد به سوی خدا با ترک گناهان است. توبه خدا به معنی برگشت خدا به سوی عبد خود با نظر لطف و مرحمت است. توبه انسان گناهکار در بین دو توبه خدا قرار دارد. به این صورت که ابتدا خدا به سوی انسان گناهکار بر می گردد و گناهکار به این وسیله توفیق توبه پیدا می کند و بار دوم خدا بعد از توبه عبد به سوی بنده خود بر می گردد و توبه او را می پذیرد و او را می بخشد.

گناه و معصیت، مانند لجن زار متعفن است که انسان، هر چه بیشتر در آن فرو می رود، خود را به نابودی نزدیک می کند، اما توبه و تصمیم جدی انسان به ترک گناه حرکت به سوی نجات و خود یک پیروزی بزرگ است که درهای رحمت الهی را به روی انسان می گشاید. کسی که به این مرحله (توبه) رسیده به پیروزی بزرگی دست یافته است، و باید سعی کند انگیزه خود را برای مبارزه با گناه، قوی تر نماید، و برای همیشه این حالت را در خود حفظ کند.

نکته بسیار مهم در این راه، استعانت از لطف و عنایتی است که خداوند نسبت به توبه کنندگان دارد؛ زیرا توبه واقعی همه مبغوضیت های گناه و عقوبات اخروی و آثار منفی آن را در پیشگاه خداوند از بین می برد، همانطوری که خداوند فرموده است: 171#& ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده اید! از رحمت خداوند نومید نشوید که خدا همه گناهان را می آمرزد، زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است&راquo;. آنچه از این آیه و دیگر آیات و روایات استفاده می شود این است که اگر انسان از گناهانش پشیمان شود و توبه کند، خداوند توبه او را می پذیرد و تمام گناهانش را می بخشد. گویا هیچ گناهی مرتکب نشده است. طبق این بیان بدیهی است که تمام عبادات و کارهای خوب گذشته و آینده او را می پذیرد. پس انسان گناه کار در هیچ شرایطی نباید از رحمت خداوند مأیوس باشد؛ زیرا هر چه گناه او بزرگ تر باشد باز رحمت الهی واسع تر است.

شرایط توبه

بر اساس آیات قرآن و روایات، توبه واقعی دارای شرایطی است که در زیر به آن اشاره می شود:

۱- اگر فرد گناهکار گناه را از روی جهالت و نادانی انجام داده باشد، خداوند متعال توبه او را خواهد پذیرفت. منظور از جهالت در این آیه اعم از عدم علم به حرام و گناه بودن عمل و طغیان غرائز و تسلط هوسهای سرکش و چیره شدن آنها بر نیروی عقل و ایمان است. در این حالت، علم و دانش انسان به گناه گرچه از بین نمی رود اما تحت تاثیر آن غرائز سرکش قرار گرفته و عملاً بی اثر می گردد. و هنگامی که علم اثر خود را از دست داد، عملاً با جهل و نادانی برابر خواهد بود. ولی اگر گناه بر اثر چنین جهالتی نباشد بلکه از روی انکار حکم پروردگار و عناد و دشمنی انجام گیرد، چنین گناهی حکایت از کفر می کند و به همین جهت توبه آن قبول نیست.

۲- عدم تأخیر آن تا زمان مرگ. اگر کسی بداند تا چند لحظه دیگر بیشتر زنده نیست، اگر توبه کند، توبه او پذیرفته نخواهد شد. همانطور که خداوند متعال می فرماید: "کسانی که در آستانه مرگ قرار می گیرند و می گویند اکنون از گناه خود توبه کردیم توبه آنان پذیرفته نخواهد شد".

۳- تصمیم جدی بر ترک گناه (با علم به توانایی انجام آن-چون اگر کسی فلج و ناتوان شده و قدرت بر ارتکاب گناه را ندارد، توبه وی ارزشی نخواهد داشت-)

۴- ندامت، اگر کسی از گناه خود واقعا پشیمان و نادم نباشد در حقیقت توبه نکرده است؛ هر چند گناه را ترک کرده باشد.

۵- جبران گناه و لغزش های گذشته.

بنابراین اگر کسی واقعاً با رعایت این شرایط توبه کند هرگز نباید از رحمت الهی مأیوس باشد؛ زیرا هر چه گناه او بزرگتر باشد باز رحمت الهی واسع تر است و قطعاً خداوند به وعده خود عمل کرده و توبه او را خواهد پذیرفت؛ به هر حال کسی که دوست دارد در لجن زار گناه بماند و از آلودگی ها تغذیه کند معلوم است که هنوز از گناهان خود پشیمان نشده است؛ لذا در این حالت توبه معنا ندارد. و معلوم نیست که در آینده نیز موفق به ترک گناه خواهد شد یا نه، بلکه تکرار گناه ممکن است زمینه و توفیق توبه را از انسان سلب کند! بله اگر موفق به توبه واقعی با تمام شرایط آن شود توبه اش پذیرفته خواهد شد.

نکته بسیار مهم در این راه، استعانت از لطف و عنایتی است که خداوند نسبت به توبه کنندگان دارد؛ زیرا توبه واقعی همه مبغوضیت های گناه و عقوبات اخروی و آثار منفی آنرا در پیشگاه خداوند از بین می برد، همانطوریکه خداوند فرموده است: ﴿وَأَيُّ بَنَدِغَانِ مَن كَبُرَ اسْرَافًا وَ سَتَمَ كَرْدَةً﴾! از رحمت خداوند نومید نشوید که خدا همه گناهان را می آمرزد، زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است؛ ﴿وَ رَاقُوْا﴾.

توبه واقعی از حق الله و حق الناس / ترک گناه آسانتر از توبه کردن است

آنچه از متون دینی استفاده می شود این است که توبه کردن کار ساده ای نیست. حضرت امیر المؤمنین (ع) می فرماید: ﴿وَأَيُّ بَنَدِغَانِ مَن كَبُرَ اسْرَافًا وَ سَتَمَ كَرْدَةً﴾؛ توبه تنها استغفر الله گفتن نیست. توبه یعنی این که انسان با تمام وجود خویش به سوی خدا برگردد. از گناه خود پشیمان شود و تصمیم جدی بگیرد که دیگر آن را تکرار نکند و اگر تضییع حق کرده است، حق الله باشد یا حق الناس آن را بر آورده سازد. قرآن مؤمنین را به ﴿وَأَيُّ بَنَدِغَانِ مَن كَبُرَ اسْرَافًا وَ سَتَمَ كَرْدَةً﴾؛ توبه نصوح می کند. امام علی (ع) می فرماید: ﴿وَأَيُّ بَنَدِغَانِ مَن كَبُرَ اسْرَافًا وَ سَتَمَ كَرْدَةً﴾؛ توبه نصوح یعنی توبه ای که گناهکار در درون خود، پشیمان شود و با زبان استغفار کند و تصمیم بگیرد که گناه خود را تکرار نکند؛ ﴿وَ رَاقُوْا﴾.

روایت شده است که امیر المؤمنین (ع) از مردی شنید که استغفر الله می گفت، فرمود: مادرت به عزایت بنشیند! آیا می دانی استغفار به چه معناست؟ استغفار درجه ۱۷۱؛ ﴿وَأَيُّ بَنَدِغَانِ مَن كَبُرَ اسْرَافًا وَ سَتَمَ كَرْدَةً﴾؛ است و برای تحقق آن شش شرط است: اول: پشیمانی از گناه گذشته؛ دوم: تصمیم جدی بر تکرار نکردن آن؛ سوم: حقوق مردم را بپرداز و با پاکی خدا را ملاقات کنی به گونه شایسته؛ ای که هیچ گناهی بر تو نباشد؛ چهارم: انجام بدهی هر واجبی را که بجا نیاورده ای؛ پنجم: همت کنی گوشتی را که از حرام بر تن تو روییده ذوب کنی تا پوست به استخوان بچسبد و گوشت تازه ای بروید؛ ششم: رنج عبادت را به تن بجشانی؛ چنان که شیرینی معصیت را به آن چشانده ای، پس آنگاه بگو: استغفر الله؛ ﴿وَ رَاقُوْا﴾.

بنابراین از این حدیث شریف دانسته می شود که شرط قبولی توبه جبران کردن واجبات فوت شده و بجا آوردن حقوق الناس است. تا اگر انسان حقوقی را از کسی تضییع کرده باشد، در صدد جبران آن برآید. چرا که خداوند متعال در باره حقوق الناس بسیار سخت گیرتر است. و تا زمانی که صاحب حق راضی نشده باشد، خداوند متعال هم راضی نمی شود، و لذا توبه گناهکار را نخواهد پذیرفت.

در حدیثی آمده است که ﴿وَأَيُّ بَنَدِغَانِ مَن كَبُرَ اسْرَافًا وَ سَتَمَ كَرْدَةً﴾؛ ظلم و ستم در یک ساعت در نزد خدا از ۶۰ سال گناه بدتر است؛ ﴿وَ رَاقُوْا﴾. در حدیثی دیگر می خوانیم: ﴿وَأَيُّ بَنَدِغَانِ مَن كَبُرَ اسْرَافًا وَ سَتَمَ كَرْدَةً﴾؛ ظلم سه قسم است ظلمی که خدا آن را می آمرزد و ظلمی که خدا نمی آمرزد و ظلمی که خدا از آن صرف نظر نمی کند؛ ظلمی که خدا نمی آمرزد شرک به خداست و ظلمی که می آمرزد ظلمی است که انسان به خودش می کند در آن چه میان او و خدای عزیز است؛ و اما ظلمی که از آن صرف نظر نمی کند حقوقی است که بندگان بر گردن یکدیگر دارند؛ ﴿وَ رَاقُوْا﴾.

تاخیر در توبه / پیشگیری بهتر از درمان است

همواره پیش گیری بهتر از درمان است. انسان باید بکوشد که مرتکب گناه نگردد و در صورت ارتکاب معصیت فوراً توبه کند و امروز و فردا ننماید؛ چرا که تسویف در توبه و به عبارتی به تاخیر انداختن توبه از وساوس شیطان است تا به این ترتیب توفیق توبه را از انسان سلب کند. توبه، واجب فوری است؛ یعنی لازم است پس از ارتکاب گناه، بلا فاصله توبه کرد. لقمان به فرزندش سفارش می کند: ﴿وَأَيُّ بَنَدِغَانِ مَن كَبُرَ اسْرَافًا وَ سَتَمَ كَرْدَةً﴾؛ ای پسر! توبه را به تاخیر نینداز؛ زیرا مرگ ناگهانی فرا می رسد؛ ﴿وَ رَاقُوْا﴾. مرگ خبر نمی کند و ممکن است پیش از آنکه گناهکار موفق به توبه شود، مرگش فرا رسد و بدون توبه از دنیا برود. همچنین در اثر کثرت گناه، اعتقاد و ایمان انسان ضعیف تر شده و در اثر عدم توبه حتی ممکن است که بسیاری از اعتقادات را تکذیب کرده و کافر شود و در نهایت با کفر از دنیا برود. همانطور که خداوند متعال می فرماید: ﴿وَأَيُّ بَنَدِغَانِ مَن كَبُرَ اسْرَافًا وَ سَتَمَ كَرْدَةً﴾؛ سرانجام آنان که به اعمال زشت و کردار بد پرداختند این شد که کافر شده و آیات خدا را تکذیب و تمسخر کردند؛ ﴿وَ رَاقُوْا﴾. درست است که طبق روایات ﴿وَأَيُّ بَنَدِغَانِ مَن كَبُرَ اسْرَافًا وَ سَتَمَ كَرْدَةً﴾؛ توبه از هر کسی تا زمانی که از حیات خود مأیوس نشده قبول است؛ ﴿وَ رَاقُوْا﴾؛ ولی باید توجه داشت که هر چه توبه به تاخیر انداخته شود، سخت تر خواهد بود؛ چون نفس انسان مزه گناه را هر

چه بیشتر بچشد، ترکش سخت تر خواهد شد.

توبه از زنا/ گناهایی که بخشیده نمی شوند

زنا و رابطه نامشروع با زنان یکی از مفاصد بزرگ اجتماعی است که باعث خسارت های جبران ناپذیر است. به همین جهت اسلام آن را حرام دانسته و مجازاتهایی را برای آن در نظر گرفته است. اولین و بهترین راه برای نجات از این مهلکه عظیم راه پشیمانی و توبه در درگاه الهی است. بر این اساس افراد گناهکار وظیفه دارند اسرار خود را حفظ کرده و تنها در پیشگاه خدای توبه پذیر و مهربان به گناه خود اعتراف کرده و توبه نصح نمایند.

اما توبه از دو جهت قابل بررسی است:

1- از جهت آثار دنیوی و تخفیف در اجرای حدود که این بخش دو صورت دارد. الف: یا این که پیش از اقامه بینه توبه می کند. ب: یا بعد از اقامه بینه توبه می نماید. این توبه پیش از اقامه بینه بر زنا است؛ زیرا اگر شخص زناکار پیش از اقامه بینه توبه کند حدّ از او ساقط شده و بر او جاری نمی شود خواه آن حدّ سنگسار باشد یا شلاق و همچنین اگر قبل از اقرار توبه نماید، حد ساقط است. اما شخصی که مرتکب گناهی شده و مستحق حدّ است اگر پس از اقامه بینه و یا پس از اقرار توبه نماید، اگر در زمان حضور امام معصوم (ع) باشد آن حضرت مختار است که او را ببخشد و یا حدّ بر او جاری کند این حدّ خواه رجم باشد یا غیر آن، بعید نیست که این تخیر برای نائبان امام معصوم هم ثابت باشد.

2- از جهت آثار اخروی و تخفیف در عذاب اخروی:

این در دو صورت محقق است یا این که حدّ بر او جاری نشده است و یا این که حدّ بر او جاری شده است. در صورتی که توبه نماید مورد لطف الهی قرار خواهد گرفت؛ زیرا از مجموع آیات و روایات چنین بر می آید که خداوند توبه کنندگان را (در صورتی که توبه واقعی و با حفظ شرایطش باشد) عذاب نمی نماید در این خصوص به یک روایت اشاره می کنیم: از امام باقر (ع) نقل شده که فرمود: ... رسول خدا (ص) بر منبر خود فرموده است: ... سوگند به آن کسی که جز او کسی شایسته پرستش نیست خداوند هیچ مؤمنی را پس از توبه و استغفار عذاب نمی کند جز به خاطر بدگمانی او به خدا و تقصیر در امیدواری و بدخلقی و غیبت از مؤمنین.

اما در صورتی که حد بر او جاری شود دست کم به دو دلیل در آخرت کیفر نمی بیند. الف. بر اساس روایات، حدود الهی مطهر و پاک کننده هستند، یعنی آن گناهکار را از آلودگی آن گناه پاک می نمایند. ب. اساساً کسی که عادل باشد به موجب یک خطا دو بار مجازات نمی کند از این رو خداوند که عدل مطلق است به دلیل یک گناه دو بار عقوبت نمی کند. در روایات از حضرت علی (ع) نقل شده که آن حضرت (ع) فرمود: خداوند عالیت و کریمتر از آن است که بنده اش را دو بار مجازات کند.

توبه از شراب خواری

پشتوانه توبه از هر گناهی، اعتقادات و ارزشهای است که شخص آن را به واقع قبول دارد. انسان اگر ایمان به خداوند و روز رستاخیز داشته باشد و بداند نتیجه اعمالش را در سرای دیگر می بیند و بدین واسطه خویش را از غفلت، نجات دهد؛ به راحتی می تواند از گناهان دست بکشد. اگر انسان درک کند که محرمات (کارهای حرام)، چگونه او را به تیره بختی و سراشیب سقوط می اندازد، خیلی راحت تر می تواند دست بکشد. شراب و هر مست کننده ای، در اسلام جزء این محرمات است. اما برخی از راه های عملی برای ترک نوشیدن مشروبات الکلی به این شرح است:

1- ابتدا باید یک تصمیم اساسی و جدی در ترک آن وجود داشته باشد، به طوری که هیچ چیز نتواند اراده انسان را تضعیف کند.

2- در رابطه با دوستان یا اموری که انسان را به این عمل دعوت می کنند، تجدید نظر شود.

3- از مکان های خلوت و جاهایی که امکان ارتکاب به گناه (همچون مصرف مشروبات الکلی) برای انسان فراهم می شود، می بایست دوری کرد.

4- به مضرات جسمانی مصرف مشروبات الکلی به خوبی توجه شود. (کسب نظر متخصصان و پزشکان مجرب و دلسوز در این مورد می تواند راهگشا باشد)

5- پرداختن به امورات معنوی (از جمله توجه کامل به دستورات اسلام) نیز ذکر نام خداوند متعال در همه حال و باور داشتن به حضور

خداوند در همه جا مانع ارتکاب انسان به گناه می شود.

برخی از روایاتی که درباره مشروبات الکلی و مست کننده وارد شده است، به شرح زیر است:

از میان ده ها روایت در این باره، چند روایت از امام صادق (ع) را ذکر می کنیم: امام صادق (ع) می فرماید: «هر کس جرعه ای از شراب (یا هر مست کننده دیگر) بخورد؛ خداوند و ملائکه و رسولانش و مؤمنان او را لعنت می کنند. پس اگر به اندازه ای بخورد که مست شود، روح ایمان از جسد وی خارج می شود...«. همچنین می فرماید: «شراب، رأس همه گناهان است«. یا در جای دیگری می فرماید: «خداوند برای شر و بدی قفلی قرار داده است که کلید آن، شراب (مسکرات) است«.

بنابراین همانگونه که بدان اشاره شد، تنها راه نجات انسان از غرق نشدن در لجن زار گناه و معصیت، توبه واقعی و بازگشت به سوی خداوند متعال و توبه پذیر است، تا انسان پس از ترک واقعی گناه، رضایت پروردگار خویش را کسب نموده و در جهت تعالی خویش در مسیر الی الله خالصانه گام بردارد.

توبه از گناه غیبت/غیبت کننده اگر با توبه بمیرد آخرین وارد شونده در بهشت است

باید توجه داشت که گرچه توبه از نشانه های رحمت و لطف وسیع الهی است و قرآن کریم می فرماید: «قطعاً خداوند توبه کنندگان را دوست دارد«، اما قبول آن دارای شرایط و قیود متعددی است از جمله این که آثار گناه باید جبران شود و در گناهای مانند غیبت که پای حقوق مردم در میان است، جبران آثار آن و فراهم کردن رضایت کسانی که حقشان پایمال شده است، بسیار مشکل است و نهایت چیزی که در اثر توبه از آن ممکن است حاصل شود عدم عقوبت و عذاب است. نه این که چنین توبه ای به تنهایی باعث بهشت رفتن فرد توبه کننده هم بشود. زیرا آنچه در قرآن آمده است که خداوند متعال از حق خود به راحتی می گذرد و گناهان توبه کننده گان را به حسنات تبدیل می کند، توبه کننده را وارد بهشت می کند؛ اینها مربوط به گناهای است که فقط حق الله باشند. اما در مورد حقوق مردم این طور نیست و اگر غیبت کننده توبه کرده و آثار سوء گناه خود را جبران نماید گناه بزرگ او بخشوده خواهد شد. اما برای رسیدن به بهشت باید اعمال نیک و خیرات و حسنات هم داشته باشد.

در روایات زیادی وارد شده است که اگر شخصی فلان کار را انجام دهد جزا و پاداش او بهشت است، یا اولین فردی است که وارد بهشت می شود، اما این در صورتی است که این فرد گناه دیگری نداشته باشد؛ زیرا قرآن از سویی می فرماید: "...حسنات (کارهای نیک و ثواب)، سیئات (گناهان و آثار آنه) را از بین می برند..." یعنی حسنات و کارهای نیک انسان در مرتبه اول جبران و آمرزش دیگر گناهان مخصوصاً حقوق مردم را می کند و بعد از آن موجب ترقی و تعالی انسان می شود. و از سویی دیگر از آیات قرآن به دست می آید که بعضی گناهان باعث حبط و از بین رفتن اعمال نیک انسان می گردند؛ همانند ارتداد، کفر نسبت به آیات خدا و عناد به خرج دادن نسبت به آنها، دشمنی با رسول خدا و صدا بلند کردن در حضور رسول خدا و بعضی از گناهان نیز هست که حسنات صاحبش را به دیگران منتقل می کند؛ مانند گناهای همچون قتل و غیبت و بهتان و ... به هر حال اعمال نیک و بد انسان به انحاء مختلف در یکدیگر اثر می گذارند، و آنچه در روایات امام صادق (ع) آمده، می توان درستی مطالب بالا را برداشت کرد.

امام صادق (ع) فرمود: "خداوند متعال به حضرت موسی پیامبر (ع) وحی کرد: غیبت کننده اگر با توبه بمیرد آخرین وارد شونده در بهشت است و اگر با این حالت بمیرد اولین وارد شونده در آتش است."

در منظور این روایت باید گفت که حتی با تأثیر توبه در آمرزش گناهان و از بین رفتن اثرات آنها، گناه غیبت آن قدر زشت و ناپسند است که حتی با توبه هم به راحتی آثار آن قابل ترمیم و جبران نیست و اگر شخص اعمال نیک و شایسته ای داشته باشد که به واسطه آنها بهشتی باشد، این گناه حتی بعد از توبه واقعی مواعی را بر سر راه بهشت رفتن شخص ایجاد می کند به نحوی که این شخص به واسطه اعمال نیک دیگر بهشتی بودنش حتمی باشد، آخرین فردی است که وارد بهشت می شود. و اگر توبه نکند هیچ یک از اعمال نیکش نمی تواند مانع از عذاب او شود و اولین کسی است که وارد آتش می شود. براین اساس، شخص غیبت کننده اگر از خدای متعال طلب آمرزش نماید و شخص غیب شونده را راضی نماید و از این گناه توبه واقعی کند، گناه او که بسیار بزرگ است بخشیده خواهد شد و از عذاب الهی به خاطر این گناه نجات خواهد یافت.